

بارتو بنو سیر گلستان هوس را	ایر بدیده عجب کل منت مس را
بی دام اسیر خانه ضیاء کشته ام	از بیضه راه بود بسوی نفس مرا
ازش زنده میفر عبا را خندم	کله با پیغمبر رنگ دی نیم رس مرا
از برستیدان بت کشته خدا جود را	ازش بسنگ صدمه تندر منتر را
رویم ز بس لطفی نهان بگردم بود	میرفت ما در من برن شیر خود را
۲۸	

Copyright © King Saud University